

برده دوم ((نظم نوین جهانی)) به نمایش در می آید!

بدنبال حمله گروهی ناشناس به برجهای ساختمان سازمان تجارت جهانی و پنتاگون در آمریکا اوضاع خطیری در جهان در حال تکوین است. هنوز کسی نمی داند که چه کسانی پشت این حملات بوده اند و مساله واقعا چیست. اما این واقعه علیرغم هر ریشه و دلیلی داشته باشد، امپریالیسم آمریکا بدنبال آنست که از آن بعنوان پوششی برای موجه جلوه دادن اقدامات سرکوبگرانه گسترده علیه همه مخالفین سیاسی خود و توده های مردم در داخل و خارج آمریکا استفاده کند. تحلیل گران سیاسی با نفوذ امپریالیسم آمریکا با روشنی تمام اعلام کرده اند که «جریاناتی مانند جنبش ضد گلوبالیزاسیون و احساساتی از آن نوع که در شهر دوربان آفریقای جنوبی در جریان کنفرانس جهانی ضد نژادپرستی به نمایش درآمد، زمینه چنین حملاتی را بوجود آورده اند». یکی از مقامات اروپایی اعلام کرد، «اکنون بهتر میتوان به مقابله جنبش ضد گلوبالیزاسیون رفت». آماج حمله امپریالیسم آمریکا و متحدینش بسیار گسترده و جهانی است. کمونیستها، انقلابیون و نیروها و عناصر مترقی نباید بگذارند که اهداف و مقاصد واقعی امپریالیستها در پس کرد و غبار برجهای فروریخته و هیاهوی تبلیغاتی آنان پنهان بماند.

آمریکا همچنین قصد دارد تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» لشکرکشیهای بین المللی نوینی را با قصد تحکیم سلطه اش بر نقاط مختلف جهان و تثبیت سرکردگی اش در میان قدرتهای امپریالیستی دیگر برآورد. شمه ای کوتاه از یکرشته طرحهای شوم در مطبوعات امپریالیستی از قول مقامات عالیرتبه نظامی و سیاسی آمریکائی و اروپائی اعلام شده است. مقامات آمریکائی اعلام کرده اند، «تلافی موثر علیه این حمله تروریستی که غرور آمریکا را زخمی کرده است سالها طول خواهد کشید و مستلزم آن خواهد بود که آمریکا دست به استفاده از نیروی عظیم - منجمله ترور شخصیتهای سیاسی - بزند.» «دادن اتوریته مجدد در مورد ترور شخصیتهای سیاسی بعنوان یکی از اهرمهای سیاست خارجی آمریکا» یکی از سیاستهای جدید است. آنان با وقاحت مینویسند که «واشنگتن باید نیروهایش را به طریقی استفاده کند که در طول جنگ سرد بدلیل رقابتهای اخلاقی نمیتوانست بکند. در حال حاضر نهادهای حکومتی، منجمله ارتش، اجازه ندارند برای محو فیزیکی رهبران خارجی اقدام کنند. در حال حاضر ارگانهای حکومتی اجازه ندارند دست به ترور شخصیتها بزنند، آقای بوش میتواند یک دستور جدید بنویسد و این محدودیت را بردارد...»

یک مولفه دیگر سیاستهای جدید اعلان جنگ به توده های مردم در کشورهایی است که برای پیشبرد طرحهای جهانی اش باید مورد هدف «تلاشی قرار گیرد. نتایج برای این طرح جنگی کارانه آنگنان و تیساند انبام می تود که سخنگویان امپریالیستی ستی از عملیاتی نظیر بمبارانهای هیروشیما و ناکازاکی در پایان جنگ جهانی دوم بعنوان الگو و مثال نام می برند. و اعلام می کنند که «برای کارآئی بالا در کشتن مردم باید از بمبهای خوشه ای و حتی ناپالم استفاده کرد و نمی توان به موشکهای کروز از آن نوع که دقت زیاد دارند و حداقل تلفات را به مردم غیر نظامی وارد می کنند، اکتفا کرد.» این «قهرمانان مبارزه با تروریسم» و سرکردگان جهان «متمدن» که در چند روز گذشته میلیونها لیتر اشک تمساح برای جان آدمهای بیگناه ریخته اند این چنین بیرحمانه و خونسردانه در مورد قتل عام توده های مردم جهان صحبت می کنند و نقشه میریزند.

امپریالیستهای آمریکائی از این واقعه برای دامن زدن به احساسات عقب مانده شوونیستی و نژادپرستانه در جامعه آمریکا سود میجویند و میخواهند افکار عمومی آمریکا را برای وارد شدن به جنگهایی مانند ویتنام که بخودی خود مستلزم از بین رفتن سربازان آمریکائی خواهد بود، آماده کنند. آنها به جوانان آمریکائی می گویند که برای دفاع از «آزادی و دموکراسی در جهان» (یعنی برای دفاع از امپراطوری سود و غارت آمریکا) باید آماده فداکاری و بذل جان باشند. آنان به سربازان آمریکائی می گویند دوران جنگ هوئی با ملل ضعیف، دوران «جنگ بدون تلفات» تمام شده است و اکنون آمریکا باید آماده اشغال خاک کشورهای دیگر شود. آنان به توده های زحمتکش آمریکا می گویند، دیدید که سرمایه دار و خدمتکار هر دو در زیر آوار برجها کشته شدند پس آن تحقیرها و سرکوبهایی را که نظام ستم و استثمار ما بر شما تحمیل کرده است فراموش کنید و گوشت دم توپ جنگهای ارتجاعی ما شوید.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا بهانه ای به دست آورده است تا بار دیگر نمایش وحشیانه ای از کانگستریزازی برآورد؛ اکنون فرصت را مغتنم شمرده تا هم خود را تاج سر تمدن بشری وانمود کند و هم شمار عظیمی از مردم جهان را در پیشگاه «خداوندگار سود» قربانی کند. آمریکا احساس حقارت کرده است و میخواهد از میان مردم ستمدیده جهان قربانی بگیرد تا غرور لگد مال شده قلدر درجه یک جهان را ترمیم کند. امپریالیستهای آمریکائی با هیجان علیه تروریسم داد سخن میدهند اما بزرگترین تروریستها خودشان هستند که در ژانویه سال ۱۹۹۱ در بمباران بغداد هزاران کودک و غیر نظامی را تنها در یک روز در پناهگاههایشان زنده بگور کردند و نام آنها «تلفات جانبی» و «خسارات جانی جزئی» نامیدند. این واقعه بار دیگر خصلت بیرحمانه و نمایشهای ریاکارانه شان را نشان می دهد.

امپریالیستهای آمریکائی پس از فروپاشی بلوک شرق با بوق و کرنا اعلام کردند که اکنون «عصر نوین صلح» است. اما این «عصر نوین» را با یکی از جیوانانه ترین جنگها که در آن زراد خانه جنگی کلیه قدرتهای غربی را علیه یک کشور کوچک هیجده میلیونی بکار گرفتند،

آغاز کردند. خونهای ریخته شده بر خیابانهای عراق هرگز خشک نشد. زیرا در دهسال گذشته هواپیماهای آمریکائی و انگلیسی به دلخواه و بدون اینکه خبری از آن در مطبوعات جهان منعکس شود به بمباران مردم عراق ادامه دادند.

این شیادان به کدام احمقی می توانند بقبولانند که قصدشان مبارزه با تروریسم است. همه میدانند که تجاوز اسم و رسم آمریکاست. ویتنام هنوز از خاطره ها نرفته است. پاناما، کرانادا و عراق. و سومالی را چه کسی فراموش کرده است. کیست که نداند آمریکا تنها قدرتی است که تا کنون با تسلیحات هسته ای به کشتار توده ای پرداخته است. همه میدانند که امپریالیسم آمریکا از حمله نظامی علیه قربانیان ضعیف و بی دفاع خود لذت خاصی میبرد. این آمریکا بود که سبعانه به اشغال بخش جنوبی ویتنام پرداخت و میلیونها نفر را در جریان تلاشی ناکام برای سرکوب خلق آن کشور قتل عام کرد. و این آمریکا است که دولت نژادپرست اسرائیل را از حیث پول و اسلحه تامین می کند تا به اشغال فلسطین ادامه دهد و با وحشیگری لجام کسیخته به خلقهای عرب حمله کند.

هیاهوی آمریکا در مورد دموکراسی و آزادی هیچ کس را در سه قاره آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین فریب نمی دهد. زیرا در تاریخ این سه قاره خونخوارترین و قرون وسطانی ترین رژیمها را علیه مردم کشورهای تحت سلطه همینها تعلیم داده یا سر پا نگاهداشته اند. رژیمهای قرون وسطانی ایران و افغانستان از آن جمله اند. هر کودکی می داند که قدرتهای آمریکائی و اروپائی راه را برای قدرت گیری خمینی و دارودسته اش کشودند تا انقلاب ایران را سرکوب کنند و هر کودکی میدانند که رژیم قرون وسطانی طالبان دست پرورده سازمان سی آی ای آمریکا است. در پشت هیاهوی امپریالیستهای آمریکائی تلاشی سراسیمه برای پاسخگونی به بحران عمق یابنده سیستم جهانی امپریالیستی نهفته است. آنها در پی عمیقتر و گسترده تر کردن شبکه تار عنکبوتی سلطه و استثمار و کشتار خویش هستند تا به چپاول ثروتهاهی که دسترنج توده های سراسر جهان است تداوم بخشند.

همه این وقایع دشواری و رنج های فراوانی برای توده ها به همراه آورد. اما هر جا ستم است مقاومت است. نه تحمیل رژیمهای قرون وسطانی که توسط شکنجه و ارباب حکومت می کنند و نه تسلیحات عظیم الجثه امپریالیستها نمی تواند ماهیت ارتجاعی، گنبدیده و پایه های پوسیده نظام جهانی آنان را پنهان کند یا خلقهای جهان را از مبارزه باز نگاه دارد.

بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستها دروغ می گویند که حملات اخیر به دو برج و ساختمان پنتاگون بزرگترین ضربه ایست که از پایان جنگ دوم جهانی تا کنون به آمریکا خورده است. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا شکستهای واقعی را از خلقهای چین و کره در جنگ کره خورد و سپس بزرگترین شکست را جنگ رهائیبخش خلق ویتنام بر آنان وارد آورد. امپریالیسم آمریکا با وجود قوای نظامی پیشرفته و وحشیگریبایستی دستگاه تبلیغاتی دروغبافی اش توسط جنگ انقلابی میلیونها تن ویتنامی به زانو درآمد و نه تنها در خود ویتنام شکست خورد بلکه در قلب آمریکا جنبش انقلابی عظیمی از سوی سیاهان، و دیگر ملل اقلیت ساکن آمریکا و توده های سفید پوست تحت استثمار و روشنفکران انقلابی علیه جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام و دیگر نقاط جهان برافه افتاد که هنوز بورژوازی آمریکا زخمهای آنرا بر پیکر خود دارد. آنچه امپریالیستهای آمریکائی را تا کنون شکست داده و بازهم میتواند شکست دهد قدرت میلیونی توده های آگاه انقلابی در کشورهای مختلف تحت سلطه آمریکا و در خود آمریکاست. پیروزی از آن گورکنان امپریالیسم یعنی پرولتاریای همه کشورها و ملل ستمیده سراسر جهان است.

حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست)

۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ - ۲۳ شهریور ۱۳۸۰

BM BOX 8561, LONDON WC1N 3XX, ENGLAND

WWW.SARBEDARAN.ORG HAGIGHAT@SARBEDARAN.ORG